



ولی ساجدی

مسئولیت اعضای هیأت مدیره در شرکت های سهامی

چکیده

بر اساس لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، شرکت سهامی توسط هیأت مدیره منتخب مجمع عمومی اداره می شود و هیأت مدیره با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور، اساسنامه شرکت و مصوبات مجمع عمومی صاحبان سهام، شرکت را اداره می کند. طبق مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ اصلاحیه مزبور، اعضای هیأت مدیره در برابر هرگونه قصور و سهل انگاری خویش و دیگر اعضا، که منجر به ورود خسارت به شرکت شود، بصورت فردی و گروهی در مقابل سهام داران و اشخاص ثالث مسئول هستند. در اصلاحات پیشنهادی اخیر، مواد فوق الذکر به نحو مناسب تبیین نگردیده است. برای سنجش مسئولیت مدیران، تعیین حدود مسئولیت و مبنای مسئولیت ایشان، وضع مقررات کامل و شفاف، امری ضروری است.

مقدمه

تشکیل شرکت های بزرگ صنعتی، تجاری، بانک ها، بیمه گذاران، شبکه های حمل و نقل و ... نیاز به سرمایه های هنگفت دارد که از عهده صدها نفر یا حتی اتباع یک کشور نیز خارج است. لذا ضرورت ایجاد می کند که سرمایه های کوچک از سراسر کشور یا حتی خارج از کشور گردآوری شده و در غالب یک شرکت سهامی به کار گرفته شود. گاهی ممکن است سهام داران یک شرکت به صدها هزار نفر یا میلیون ها نفر برسند، لذا در عمل، دخالت تمام سهام داران در اداره شرکت میسر نیست یا اینکه برخی از آنها علاقه ای به دخالت در امور شرکت ندارند و از طرفی در شرکت های سهامی، مسئولیت سهام داران محدود به سرمایه آنها می باشد. شرکت های سهامی توسط هیأت مدیره اداره می شود که معمولاً از بین سهام داران عمده انتخاب می شوند. شرکت سهامی، نقش عمده ای را در جلب سرمایه های مردم دارند، لذا دولت ها هرگز در این

طبق مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ اصلاحیه مزبور، اعضای هیأت مدیره در برابر هرگونه قصور و سهل انگاری خویش و دیگر اعضا، که منجر به ورود خسارت به شرکت شود، بصورت فردی و گروهی در مقابل سهام داران و اشخاص ثالث مسئول هستند

مورد بی تفاوت نمانده و با وضع قوانین و مقررات در جهت حفظ منافع جامعه اقدامات لازم را معمول داشته‌اند و ضرورت دارد در خصوص انتخاب مدیران از بین افراد کارآزموده و کارا؛ هم چنین در خصوص مسئولیت مدیران - ضمن انجام وظایفشان - مقررات لازم تلوین شود.

در این مقاله ضمن بررسی رابطه حقوقی مدیران با شرکت، حدود اختیارات، وظایف، محدودیت‌ها و مسئولیت حقوقی آنها طبق قوانین، اساسنامه و هم چنین مصوبات مجمع عمومی بررسی شده است.

رابطه حقوقی مدیران و شرکت

شرکت سهامی دارای شخصیت حقوقی مستقل از سهام‌داران است و توسط هیأت‌مدیره منتخب سهام‌داران اداره می‌شود. قبل از ورود به بحث اصلی، دیدگاه‌های مطروحه در باره رابطه حقوقی هیأت‌مدیره و شرکت مورد بررسی قرار گرفته است.

طبق ماده ۵۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، رابطه مدیران و شرکت رابطه وکیل و موکل توصیف شده است. از خصوصیات عقد وکالت این است که با فوت و حجر هر یک، از وکیل و موکل باطل می‌شود (ماده ۶۷۸ قانون مدنی) و حدود اختیار در حوزه تفویضی به او می‌باشد در حالی که هیأت‌مدیره یک شرکت چنین وضعیتی ندارد چون مدیران توسط اکثریت سهام‌داران حاضر در جلسه انتخاب می‌شوند نه تمام سهام‌داران و هم چنین مدیران با فوت و حجر شرکاء و یا سهام‌داران، عزل نمی‌شوند. (کامرانزاده، ۱۹، ۱۳۸۰)

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که رابطه مدیران و شرکت رابطه نمایندگی است، چون نماینده قانونی (مانند ولی قهری) در رابطه با شرکت، نیازی به اراده مستقل کلیه سهام‌داران برای اعطای نیابت برای نمایندگی خویش ندارد. بر اساس نظریه نمایندگی و رابطه قراردادی بین مدیر و شرکت، مدیر حق دارد که به نام و به حساب شرکت در حدود موضوع آن و در حیطه مقررات اساسنامه و مجمع عمومی فعالیت کند و اعمال وی شرکت را متعهد سازد نه شرکاء را. (کامرانزاده، ۱۹، ۱۳۸۰)

البته به نظر به نمایندگی و وکالت اعضاء هیأت‌مدیره انتقاداتی وارد است و نظریه غالب این است که هیأت‌مدیره جزء ساختمان شرکت است زیرا اعلام اراده شخص حقوقی یا اوست و وقتی اعضاء هیأت‌مدیره معرفی شد، همان حالت نمایندگی ۱ - مسئولیت حقوقی به دو نوع مدنی و کیفری تقسیم می‌گردد هر گاه شخصی به دیگری ضرر مادی یا معنوی وارد نماید ملزم به جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد که به آن مسئولیت مدنی می‌گویند و مسئولیت کیفری وقتی تحقق می‌یابد که برای عمل یا ترک عمل در قوانین مجازات کیفری (قصاص، حد، دبه و یا مجازات‌های تأمینی) پیش بینی گردیده باشد در مواد ۲۳۳ الی ۲۶۹ اصلاحیه ۱۳۳۷ قانون تجارت، به مقررات جزایی اداره شرکت اختصاص یافته است و علاوه بر آن در قوانین دیگر از جمله قانون مجازات اسلامی، مجازات‌هایی مقرر گردیده است. در این مقاله عمدتاً مسئولیت مدنی مدیران مورد توجه قرار گرفته است.

۲۲ - رسی قهری و ولایت پدر و جد ولی قهری، در اداره امور مولی علیه صلاحیت نامحدود پدر و برای اقلهات خود ملزم به تحصیل دلیل نمی‌باشد.

است که مردم به نمایندگان مجلس اعطاء می‌کنند و این نمایندگی مظهر اراده عمومی و نماد تصمیم گیری است. (کامرانزاده، ۱۳۸۰، ۲۱) در عین حال که اراده شخص حقوقی و هیأت‌مدیره یکی است، اما اگر مدیران مرتکب تقصیرهای شخصی شوند و برای حفظ منافع شخصی گام بردارند، اراده مدیران بر تصمیم شرکت نخواهد بود و باید بین تقصیرات شخصی و اداری مدیران تفاوت قائل شویم.

حدود اختیارات مدیران

طبق ماده ۱۰۷ لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ (از این به بعد ل.ا.ق.ت)^۲، اداره شرکت به عهده هیأت‌مدیره منتخب سهام‌داران است و هم چنین بر اساس ماده ۱۱۸ این قانون، در حدود موضوع شرکت به جز موضوعاتی که به موجب قانون تجارت اخذ تصمیم و اقدام در باره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره شرکت می‌باشند. بنابراین می‌بینیم که اعضاء هیأت‌مدیره در انجام وظایف خود می‌بایست موضوع فعالیت شرکت و صلاحیت‌های مجامع عمومی صاحبان سهام را رعایت کنند که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مضافاً اینکه، با ملاحظه ماده ۱۲۵ این قانون مبنی بر اینکه: «مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت‌مدیره به او تفویض شده است نمایندگی شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء خواهد گرفت».



اگر مدیران مرتکب تقصیرهای شخصی شوند و برای حفظ منافع شخصی گام بردارند، اراده مدیران بر تصمیم شرکت نخواهد بود و باید بین تقصیرات شخصی و اداری مدیران تفاوت قائل شویم

دارد، به نظر می‌رسد هیأت‌مدیره فقط حق دارد قرارداد را تصویب کند و انعقاد و امضاء آن به عهده مدیرعامل است. (اسکینی، ۱۵۲، ۱۳۷۸؛ دمیرچیلی، ۱۳۸۰، ۱۳۲) لذا مدیرعامل نماینده شرکت است و از طرف شرکت حق امضاء دارد و رعایت حدود صلاحیت ایشان نیز ضرورت دارد.

محدودیت‌های قراردادی

علاوه بر محدودیت‌هایی که در قوانین وجود دارد صاحبان سهام نمی‌توانند در فرآیند تلوین اساسنامه و یا ضمن مصوبات مجمع عمومی صاحبان سهام، محدودیت‌های غیر متعارفی را برای هیأت‌مدیره و یا مدیرعامل قائل شوند. چنین محدودیت‌هایی در مقابل اشخاص ثالث معتبر نیست.

قسمت آخر ماده ۱۱۸ مقرر می‌دارد: «... محدودیت‌های قراردادی مدیران نسبت به شرکت و سایر اشخاص ثالث معتبر نیست».

کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کارناپذیر است. هیأت‌مدیره برای اداره کردن و رسیدگی امور عادی شرکت، خرید و فروش، اجاره محل، استخدام کارمند جدید، طرح دعوی، دفاع از حقوق شرکت، امضاء اوراق و اسناد و امثال اینها دارای اختیارات لازم هستند ولی گاهی ممکن است هیأت‌مدیره، در اساسنامه از خرید و فروش و رهن گذاشتن اموال غیر منقول شرکت منع شده باشند، این محدودیت در مقابل اشخاص ثالث اعتباری ندارد، چون اشخاص خارج و طرف معامله را نمی‌توان ملزم به مطالعه اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی شرکت کرد. (عبادی، ۱۳۷۵، ۱۱۶) یعنی در مواردی که در قانون برای مدیران محدودیتی تعریف نشده است، ایشان جهت اداره شرکت اختیارات و وظایف نامحدود دارند.

از طرفی برای حفظ حقوق سهام‌داران، در قانون تجارت و دیگر قوانین موضوعه برای مدیران مسئولیت‌هایی مقرر شده است که این مسئولیت را حتی از طریق درج در روزنامه کثیرالانتشار و اعلام عمومی نیز نمی‌توان محدود کرد. (دمیرچیلی، ۱۳۸۰، ۱۳۲؛ کامرانزاده، ۱۳۸۰، ۵۹) برخی از صاحب‌نظران معتقدند، مفاد ماده ۱۱۸ مذکور خاص هیأت‌مدیره است و در مورد مدیرعامل مصداق ندارد چون اختیارات مدیرعامل محدود به موضوع شرکت، مصوبات مجمع عمومی و مصوبات هیأت‌مدیره است. (اسکینی، ۱۳۷۸، ۱۵۴؛ صفی نیا، ۱۳۸۱، ۷۹)

محدودیت‌های خاص مدیران

رکن قانونگذاری کشورهای مختلف برای حفظ منافع سهام‌داران، برای معاملات مدیران با شرکت محدودیت‌هایی قائل شده است که اساساً به عواملی از قبیل تقلب و سوءنیت آنها ارتباط ندارد و اینگونه معاملات را قابل ابطال دانسته و هدف قانونگذار این است که در چنین معاملاتی، شرکت و مدیران را درگیر اثبات حسن نیت و سوءنیت مدیران نکنند و تصمیم را یک جانبه در اختیار شرکت قرار داده تا در صورت لزوم، چنین معاملاتی بدون درگیری با مراجع قضایی قابل ابطال باشند. (حیدرپور، ۱۳۸۲، ۱۶ و ۳۲)

در مواد ۱۲۹ الی ۱۳۳ ل.ا.ق.ت، نیز برای مدیران محدودیت‌هایی پیش‌بینی شده است که این محدودیت‌ها ضمن اساسنامه یا مصوبات یا به هر طریق دیگر از مدیران زایل نمی‌شود:

- اعضاء هیأت‌مدیره و مدیرعامل نمی‌توانند به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم، بدون مجوز هیأت‌مدیره، با شرکت یا به حساب شرکت معاملاتی را انجام دهند. (ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت)
- اعضاء هیأت‌مدیره (به استثناء اشخاص حقوقی) و مدیرعامل شرکت نمی‌توانند از شرکت وام یا اعتبار دریافت نمایند یا شرکت بدهی‌های آنها را تضمین نمایند. (ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت)



مدیران شرکت حق ندارند معاملات نظیر معاملات شرکت و معاملاتی که متضمن رقابت با شرکت است، انجام دهند. در صورت تخلف، مسئول جبران خسارات وارده اعم از ورود خسارت یا تفویض منفعت خواهند بود. (ماده ۱۳۳ ل.ا.ق.ت)

مسئولیت اشتراکی مدیران

بر اساس قواعد مسئولیت مدنی هر کس به دیگری زیان برساند بایستی آن را جبران کند (اشتری، ۱۳۷۶، ۲۹ به بعد) و این یک اصل کلی است. ولی به دلیل وضعیت خاص مدیران و وظایف و اختیارات وسیعی که در زمینه اداره شرکت دارند و هم چنین به منظور حفظ منافع و حقوق اشخاص ثالث طرف معامله با شرکت، قانونگذار برای مسئولیت مدیران از محدوده قواعد عمومی فراتر رفته و به مقتضای اهمیت اعمال ایشان مسئولیت وسیع تری را برای مدیران قائل شده است. اقدامات زیانبار یا خودداری از اقدامات لازم در مواردی که شاهد ورود خسارت به شرکت باشد (فعل و ترک فعل) می تواند برای مدیران مسئولیت حقوقی در پی داشته باشد.

ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت مقرر می دارد: ((... مدیران شرکت در حدود موضوع شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند)) و از طرفی طبق ماده ۱۴۲ این قانون، در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئولیت دارند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین می کند.

هم چنین طبق ماده ۱۳۳ این قانون «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارای شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیت دارد می تواند به تقاضای هر ذینفع، مدیر عامل و هر یک از مدیران را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده منفرداً یا متضامناً به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم کند»

برخی از صاحب نظران معتقدند مسئولیت فردی و گروهی، وقتی مطرح است که عللای از هیأت مدیره به علت مسافرت، مأموریت و یا هر دلیلی غیبت داشته و از اقدامات دیگر اعضا اطلاع نداشته باشند ولی به نظر می رسد این نظریه خیلی زیر بنا ندارد کما اینکه در حال حاضر با وجود امکانات مخابراتی و اینترنتی حتی در سراسر جهان نیز امکان تماس اعضا فراهم است و امروزه در کشورهای صنعتی مدیران شرکت از افرادی خارج از سهام داران و حتی از خارجیان انتخاب می شوند (ساجدی، ۱۳۸۴، ۶۱؛ Eghbar، ۲۰۰۲، ۲۲۸)

لذا به نظر می رسد یک مدیر از مسئولیت در مقابل تخلفات اعضای دیگر مصون نخواهد ماند ۴۴- اصل لاضرر و لاضرر این مطلب در ماده ۳۳۸ قانون مدنی نیز بدین شرح مقرر گردیده است «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه مین باشد یا منصف و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است»

مگر آن که در موقع تصمیم گیری نظر مخالف خود را در موقع تنظیم صورت جلسه کتاب اعلام و در صورت ضرورت به مجمع عمومی اطلاع داده و حتی در صورت لزوم به مراجع قضایی نیز اعلام نماید (کامران زاده، ۱۳۸۰، ۷۱) در برخی از کشورهای صنعتی؛ در مواقعی که یک عضو هیأت مدیره در اعمال اقتدار خود عاجز می شود می تواند شخصاً استعفا دهد. (International series of FRANCOIS LEFEBVRE، ۲۰۰۰، ۵۶)

مدیران علاوه بر آنکه موظفند در اداره امور شرکت نهایت امانت داری را مراعات کنند؛ می بایست با بهره گیری از روش های مدیریتی جدید، استفاده از نظر کارشناسان مجرب و برقراری سیستم های کنترل داخلی، از سوءاستفاده از اموال و موقعیت شرکت جلوگیری کرده و برای افزایش بهره وری و کارایی تلاش نمایند.

تخلف مدیران از قانون، اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی

طبق ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت به شرحی که در مبحث قبل بیان شد، مدیران در صورت تخلف از قانون، اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی مسئول هستند. در ادامه این متن برخی از تخلفات مدیران به طور اجمال بیان شده است:



اصولاً بد اداره کردن شرکت مایه

مسئولیت مدیران است، مثلاً مدیران بایستی در هنگام استخدام کارکنان شرکت، صفاتی مانند لیاقت، امانتداری و تخصص ایشان را در نظر بگیرند و گر نه، چنانچه در نتیجه اعمال ایشان خسارتی به شرکت وارد شود، بر اساس قواعد مسئولیت مدنی مدیران در برابر خسارت وارده مسئول خواهند بود

تخلف مدیران از قانون:

- برخی از موارد تخلف از قانون در ل.ا.ق.ت بشرح زیر مقرر شده است:
- ۱- صدور ورقه سهام قبل از ثبت شرکت (ماده ۲۸).
- ۲- عدم تشکیل جلسات هیأت مدیره طبق اساسنامه (مواد ۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱).
- ۳- اخذ وام و اعتبار و انجام معاملات نظیر معاملات شرکت (مواد ۱۳۲-۱۳۶).
- ۴- تخلف از طرز اداره شرکت (مواد ۱۳۳-۱۳۸).
- ۵- عدم تعیین مدیر عامل (مواد ۱۲۴-۱۲۶).
- ۶- اتنوخسته نکردن یک سهم از سود خالص شرکت (ماده ۱۴۰).
- ۷- عدم دعوت از مجامع عمومی (مواد ۱۳۸-۱۴۱).

۸- عدم ارائه گزارش به بازسان (ماده ۱۳۷). اما این سه سوال مطرح است که، نظر قانونگذار منحصرأ تخلف از قانون تجارت است و یا سایر قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون چک و ... نیز مورد نظر است؟ طبعاً قوانین و مقررات دیگری از جمله؛ مواد ۵ و ۹ قانون نظام صنفی مبنی بر مجازات متخلفین از مقررات این قانون، ماده ۱۵۴ قانون مالیات مستقیم در خصوص وصول مالیات های اشخاص ثالث و مواد ۱۷۱ الی ۱۸۶ قانون کار، که مدیران در اداره شرکت ملزم به رعایت آنها هستند و در صورت عدم رعایت تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. هم چنین در قانون مجازات اسلامی، قانون چک برای صدور چک بلامحل و هر گونه سوء استفاده از چک، مقرراتی وضع شده است.

هم چنین رعایت قوانین دیگری چون، قانون تامین اجتماعی، قانون بازار اوراق بهادار، سرمایه گذاری خارجی، ثبت شرکت ها و آئین نامه اجرایی آنها و مقررات ثبت دفاتر قانونی الزامی است. و در اداره شرکت های دولتی قوانین و مقررات متعددی از جمله؛ قانون محاسبات عمومی، قانون برگزاری مناقصات، قانون برنامه و بودجه کشور، قانون برنامه پنج ساله توسعه، قانون بودجه سالانه، قانون استخدام کشوری، قانون نظام پرداخت هماهنگ دولت، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی کشور و آئین نامه اجرایی آنها الزامی است.

تخلف از اساسنامه

در تدوین اساسنامه باید حدود مقرر در قانون تجارت رعایت شود. ماده ۸ ل.ا.ق.ت حاوی ۲۱ بند تحت عنوان طرح اساسنامه می باشد که عملاً تمام موارد ضروری را در بر می گیرد لذا در تدوین اساسنامه، درج موارد مذکور در این ماده قانونی کافی به نظر می رسد و ذکر جزئیات بیشتر موجب می شود نکات مهم اساسنامه به چشم نیفتد (اسکینی، ۱۳۷۸، ۲۶)

- برخی موارد که طبق ل.ا.ق.ت باید جزئیات آن در اساسنامه ذکر شود و در فرآیند اداره رعایت شود، بشرح زیر است:
- ۱- نحوه صدور مجوز انتشار اوراق قرضه (ماده ۵۶)
- ۲- مدت مأموریت مدیران و انتصاب اعضا جدید (مواد ۱۰۹-۱۱۲)
- ۳- حد نصاب رسمیت اعضا هیأت مدیره (ماده ۱۲۱)
- ۴- تعداد حداقل سهام مدیران و وثیقه قرار دادن آن نزد شرکت (مواد ۱۱۴-۱۱۵)
- ۵- مقررات پرداخت پاداش به اعضا هیأت مدیره (ماده ۱۳۲)
- ۶- نحوه دعوت از مجمع عمومی صاحبان سهام (ماده ۱۳۸)
- بر اساس ماده ۳۰۰ ل.ا.ق.ت، شرکت های دولتی تابع قوانین تاسیس و اساسنامه های خود می باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون



یک مدیر از مسئولیت در مقابل تخلفات اعضای دیگر مصون نخواهد ماند مگر آن که در موقع تصمیم گیری نظر مخالف خود را در موقع تنظیم صورت جلسه کتاب اعلام و در صورت ضرورت به مجمع عمومی اطلاع داده و حتی در صورت لزوم به مراجع قضایی نیز اعلام کند

می‌شوند. لذا در این شرکت‌ها الزاماتی مانند مدت مأموریت مدیران، نحوه صدور سهام شرکت، تودیع سهام وثیقه مدیران، نقل و انتقال سهام شرکت، صدور اوراق مشارکت و نحوه تشکیل مجمع عمومی صاحبان سهام، اداره تغییرات بعدی و انحلال آنها در مواردی با مفاد مقرر در قانون تجارت متفاوت است.

تخلف از مصوبات مجمع عمومی صاحبان سهام:
علاوه بر قوانین و اساسنامه، در مصوبات مجمع از جمله مجمع عمومی موسس (در بدو تأسیس شرکت، مواد ۷۴ الی ۸۲) مجمع عمومی فوق العاده (مواد ۸۳، ۸۴ و ۸۵) مجمع عمومی عادی سالیانه (مواد ۸۶ الی ۹۱) و مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده (ماده ۹۲) اختیارات و تکالیفی را برای مدیران مقرر می‌دارد که رعایت آنها الزامی است.

نگاهی گذرا به لایحه پیشنهادی اصلاح قانون تجارت بر اساس پیشنهاد هیأت وزیران، لایحه پیشنهادی اصلاح قانون تجارت» توسط «شورای بازرگاری قانون تجارت» تدوین و در تیر ماه ۱۳۸۴ برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. ولی برخی از مواد قانون تجارت فعلی از جمله مفاد مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ از اوقات در اصلاحات پیشنهادی اخیر به نحو مناسب تبیین نشده است. درج مواد مزبور در اصلاحیه برای سنجش مسئولیت مدیران تعیین حدود مسئولیت و مبانی مسئولیت ایشان ضروری است.^۶

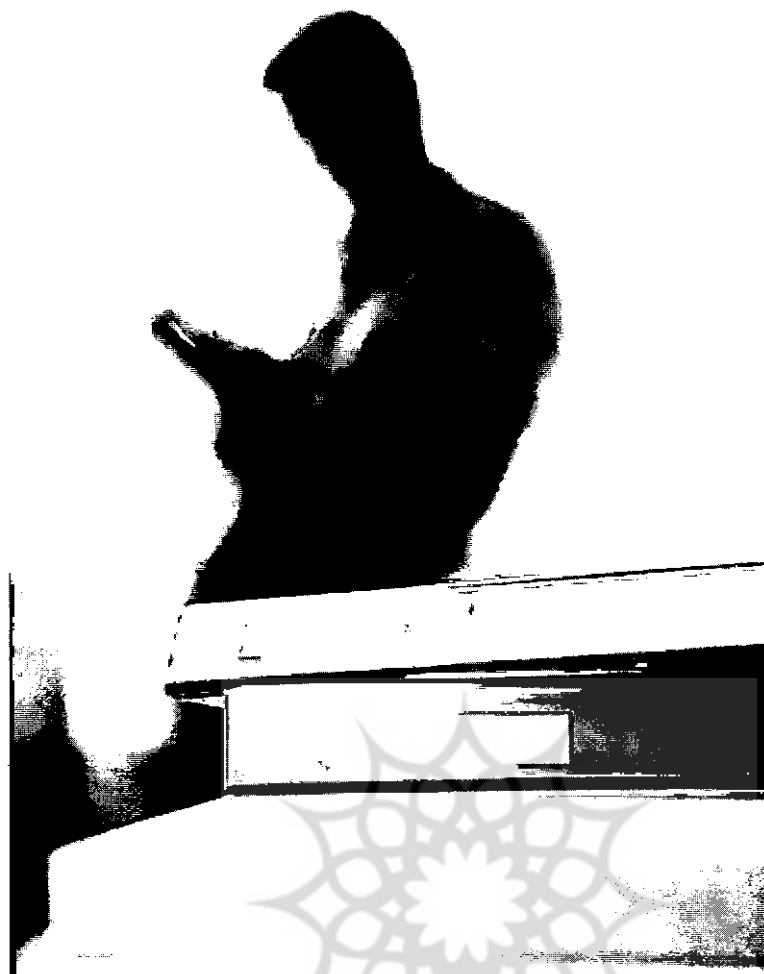
جمع‌بندی و تحلیل موضوع

با تشکیل شرکت به شکل امروزی و جدایی مدیران از سهام‌داران، حدود وظایف هیأت‌مدیره و مسئولیت آنها نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفت. طبق مواد ۱۰۷ لایحه قانون تجارت توسط هیأت‌مدیره اداره می‌گردد و با توجه به ماده ۱۱۸ این قانون، حدود اختیارات هیأت‌مدیره در قوانین و مقررات جاری کشور، اساسنامه شرکت و مصوبات مجمع عمومی صاحبان سهام تعیین می‌شود. ذکر همه موارد در اساسنامه یا مصوبات مجمع عمومی مقدور نیست، ولی به حکم عقل و منطق، باید حدود متعارف برای خوب اداره کردن، رعایت شود، در غیر این صورت مدیران مسئول خواهند بود. اصولاً بد اداره کردن شرکت مایه مسئولیت مدیران است، مثلاً مدیران بایستی در هنگام استخلام کارکنان شرکت، صفاتی مانند لیاقت، امانتداری و تخصص ایشان را در نظر بگیرد و اگر نه، چنانچه در نتیجه اعمال ایشان خسارتی به شرکت وارد شود، بر اساس قواعد مسئولیت مدنی مدیران در برابر خسارت وارد مسئول خواهند بود.

هم‌چنین طبق ماده ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون مذکور، مدیران در برابر هر گونه سهل انگاری که منجر به ورود خسارت به شرکت شود بصورت فردی یا گروهی مسئول می‌باشند و طبق قسمت آخر ماده ۱۱۸ که

۵ اختیارات و تکالیف مدیران محدود به موارد مذکور در این پلراگراف نمی‌باشد.

۶۶- لا نکرانه مطلبی، در روزنامه دنیای اقتصاد آبان‌ماه ۱۳۸۴، در خصوص اصلاحات پیشنهادی اخیر به چاپ رسیده است.



از نقاط قوت قانون فعلی است، ۱- محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بموجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و «کان لم یکن است» و به نظر می‌رسد در مواردی که تصمیم مدیر منجر به ورود خسارت شود صرف مخالفت در مصوبات هیأت‌مدیره کافی نیست و مدیر معترض علاوه بر اعتراض کتبی در ضمن مصوبه مذکور مراتب را به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده و در صورت لزوم به مراجع قضائی صلاحیت‌دار نیز اعلام کند.

منابع

۱. اسکینی، دکتر ربیعا (حقوق تجارت، شرکت‌ها - جلد دوم) سمت، چاپ دوم ۱۳۷۸.
۲. جیسلر پور، البرز (محدودیت‌های مدیران شرکت‌ها در انجام معاملات) انتشارات مه‌یار، اهواز، چاپ اول بهار ۱۳۸۲.
۳. اشتری، دکتر محمد (مسئولیت مدنی) نشر حقوقان، چاپ اول، پائیز ۱۳۷۶.
۴. دمیرچیلی محمد، و علی حاتمی و محسن قرائی (قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی)، انتشارات خلیج فارس، چاپ اول ۱۳۸۰.
۵. ساجدی، ولی (انتخاب اعضای هیأت‌مدیره از غیر سهام‌داران) مجله حسابرس، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۴.
۶. صفی‌نیا، دکتر نورالدین (درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران) انتشارات دانشگاه چاپ اول، بهار ۱۳۸۱.
۷. عبادی محمد علی (حقوق تجارت) کتابخانه گنج دانش، چاپ دوازدهم، بهار ۱۳۷۵.
۸. عرفانی، دکتر محمود (حقوق تجارت، جلد دوم) جهاد دانشگاهی، چاپ دوم ۱۳۶۵.
۹. کامران‌زاده، ناهید (مسئولیت مدنی مدیران شرکت‌های سهامی) پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، سال ۱۳۸۰.
۱۰. قانون تجارت ۱۳۱۱ و اصلاحات ۱۳۴۷ و اصلاحیه پیشنهادی اخیر.
۱۱. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹.
۱۲. قانون مدنی ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی.
۱۳. International Series FRANCIS LEFEBVRE, France 2nd Edition, Business Law, Taxation & Social Law April 2000.
۱۴. Egrbal, M. Zafer, (INTERNATIONAL ACCOUNTING, a global perspective) South Western, Second Edition 2002.



بر اساس پیشنهاد هیأت وزیران، «لایحه پیشنهادی اصلاح قانون تجارت» توسط «شورای بازرگاری قانون تجارت» تدوین و در تیر ماه ۱۳۸۴ برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد